



بگیر و ببند!

یقه سفیدان پشت میله ها

حامد آقالر

سیاسی

نظر به اینکه قاضی القضاات روی آن مفسدین اقتصادی دم کلفت و حکومتی زوم کرده است و دست بردار هم نیست ، باید منتظر خبر های خوبی از حوزه سلامت مالی و پاک دستی مسئولان امر و متصدیان بیت المال و همچنین امنیت اموال عمومی باشیم تا بلکه ضریب زالوصفتی و طمع کاری دزدان یقه سفید کاسته شود و به مرور ریشه آنها از بیخ و بن کنده شود (ان شاء الله). از آنجایی که مبارزه با فساد اقتصادی باید خارج از نگاه جناحی و سیاست زدگی انجام گردد ، انتظار می رود که قوه قضائیه به این رویه ی خود ادامه دهد و اصلاح طلبی اصولی را در قالب قوه قضائیه پیاده سازی کند به نحوی که دیگر هیچ شخص نامحترمی جرئت نکند به بیت المال دست درازی کند. جمله ای مطرح شد که دلمان را گرم و امیدمان را زنده کرد : "دست کسانی را که به بیت المال دست درازی کرده اند را نه از مچ بلکه از بازو قطع میکنیم." نگاه اجمالی و تیتروار به عملکرد قوه قضائیه در دوره ریاست جدید این مهم را نشان میدهد که این دلگرمی و امیدواری چندان هم بی مورد نیست بلکه نشان میدهد توانمندی و کارآمدی نظارتی دستگاه قضا چقدر میتواند ساختار حاکم را اصلاح و ترمیم کند. برخورد با فساد درون قوه قضائیه ، انفصال ۶۰ قاضی متخلف از خدمت به دلایل عدیده و متفاوت ، حکم متهمان محترم (!) بانک سرمایه ، عزل معاون سابق قضایی اکبر خان طبری ، رسیدگی جامع و نهایی به پرونده پدیده شاندیز و اعلام حکم مال

باختگان بیچاره پرونده پدیده شاندیز ، دستور برای بررسی ویژه تحقیق و تفحص های ارجاعی به قوه قضائیه ، حکم متهمان ریز و درشت پرونده کیمیا خودرو ، حکم ۱۵ سال حبس ریخته گران و برادرش به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی ، پرونده و حکم جنجالی و پر سر نخ هادی رضوی ، حکم تخریب ویلاهای غیر مجاز مختص مرفهان بی درد جامعه (تخریب بزرگترین سازه ویلایی در رشت) ، پیگیری پرونده ۱۷ متهم جاسوسی و امنیتی ، پیشنهاد ارائه طرحی در رابطه با ممانعت از تحصیل فرزندان مسئولان در خارج از کشور ، بررسی امکان اعدام و قصاص به روشی غیر از طناب دار و اهدای عضو محکوم ، بررسی پرونده تمامی زندانیان بدهکار مالی و اعمال حداکثر مساعدت قضائی و قانونی ، ممنوعیت مطالبه وجه در دفاتر خدمات الکترونیک قضائی ، عزم جدی برای ورود به فساد خودروسازان و در کل ۹۷۸ حکم قطعی برای مفسدین اقتصادی (که صد البته این آمار بروز رسانی هم میشود و تعداد ، بالاتر از این حرف هاست!) کارنامه پر و پیمان سید ابراهیم رئیسی را در این چند ماه گذشته نشان میدهد. قصد ما از بیان این موارد تعریف و تمجید صرف و توخالی و یا تملق رسانه ای و جناحی نیست! ما نمیخواهیم از رئیس قوه قضائیه یک بت بسازیم و به دورش بگردیم! بلکه میخواهیم از فساد زدایی در ساختار حکومتی و دستگاه های اجرایی حمایت کنیم تا دیگر اعداد نجومی و ده به توان n تومان اختلاس و فساد اقتصادی را در رسانه ها نبینیم و نشنویم. مبارزه با فساد اقتصادی در بین افکار عمومی مورد استقبال قرار گرفته است

و تقریباً همه ی اقشار جامعه از محاکمه مفسدین اقتصادی به عنوان یکی از راهکار های اصلاح ساختار از درون یاد می کنند. البته این مسئله را هم فراموش نکنیم که جریان عدالت خواهی و مبارزه با فساد باید ادامه دار باشد و منحصر به یک شخص و یا جریان سیاسی نشود ؛ در واقع سید ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس قوه قضائیه در حال حاضر به وظایف خود عمل میکند و خارج از چارچوب اختیارات و ساز و کار قانونی اقدامی انجام نمیدهد. مخلص کلام اینکه فرض را بر این بگذاریم که ریاست قوه قضائیه از فردا بر عهده کسی غیر از رئیسی باشد ؛ در این صورت نباید پرچم مبارزه با مفاسد اقتصادی پایین بیاید و تحولات صورت گرفته در قوه قضائیه و اصلاحات انجام شده در دستگاه های قضایی بر باد فنا رود. طبیعی است اگر بعضی از شخصیت های مطرح سیاسی به اقدامات اخیر دستگاه قضا خرده بگیرند ، ناخودآگاه افکار عمومی هم نسبت به آن افراد مشکوک می شوند و انتظار دارند علت عصبانیت سیاسیون را بابت بگیر و ببند های قوه قضائیه بفهمند. بنابراین مسئولان نظام هشیار باشند که اطراف خود را تا شعاع کیلومتر ها از نفوذی ها و دوستان و آشنایان و نزدیکان رانت خوار مبری کنند.

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعرا، آیه ۲۲۷)

کسانی که ظلم و ستم کردند بزودی خواهند دید که چگونه سزای اعمال خود را دیده و سرنگون خواهند شد.

یک انتخاب عاقلانه
یک زندگی عاشقانه!

در صفحه ۴ بخوانید

دیپلماسی اربعین

در صفحه ۳ بخوانید

تزریق جهل

در صفحه ۳ بخوانید

مجلس حرمت دارد!

در صفحه ۲ بخوانید

شین . نون

در صفحه ۲ بخوانید

شین . نون

شبیم نعمت زاده پشت میز محاکمه

سیاسی

محمد جواد سلطانی نژاد



شبیم نعمت زاده دختر بزرگ محمدرضانعمت زاده (وزیر سابق) فارغ التحصیل رشته داروسازی در سال ۷۵ که از کار در یک داروخانه به واردات دارو رسید را باید در باشگاه آقا زاده های میلیاردر ایران قرار داد که چندین شرکت تجاری و صنعتی دارو و تجهیزات پزشکی را ثبت کرده که در کنار خواهرش زینب و مادرش (مریم بختیاری) مدیریت آنها را برعهده داشته که در همان مقطع سکنداری پدرش در وزارت صنعت گزارش های بسیاری از مجموعه متعدد شرکت ها و ثروت چند هزار میلیاردی آنها مطرح بود. او از سال ۹۲ از وارد کنندگان دارو و مکمل بوده و از رانت اطلاعاتی برای واردات داروهای فوریتی (داروهای خاص و سرطان) بهرمند بوده است. چنانکه وزارت بهداشت هر از چندگاه فهرست کمبود داروهای خود را اعلام می کرده ، تا شرکت ها آن را وارد کنند و ایشان قبل از اینکه فهرست به همه اعلام شود و آن را وارد می کرد تا بدین صورت انحصار داروهای فوریتی را در اختیار گرفت و مستقیماً بر زجر و درد روحی بیماران و خانواده آنان افزود. علاوه بر واردات دارو ، داروهای شرکت های داخلی را خریداری ، و با اختلال در نظام توزیع دارو به منظور ایجاد انحصار فعالیت می کرد که یکی از نتایج آن کمبود آنتی بیوتیک در سال ۹۷ بود. او با این روش قیمت گذاری دارو را نیز به دست گرفت. شبیم نعمت زاده که واردات دارو را با ارز دولتی داشت ، و احتکار میکرد!

اما خریداری از شرکت های داخلی را با چک هایی که وصول نمی شد انجام می داد! و اظهار ناتوانی حتی در پرداخت حقوق کارمندان خود را داشته ، که بدهی میلیاردی به این شرکت های تولید کننده داخلی باعث شده تعدادی از این شرکت ها ، تا مرز ورشکستگی پیش روند ، حتی توان خرید مواد اولیه را نداشته باشند و تولیدات داخلی نیز مختل و ضربه به صنعت دارویی و سلامت عموم جامعه وارد شود. و با همین شیوه وام های کلان و میلیاردی از بانک ها دریافت کرد ، از جمله ۴میلیارد تومان از بانک شهر ، ۶میلیارد از بانک سینا و جمعا ۸/۵ میلیارد تومان از بانک ملت در حالی که فقط ۲/۵ میلیارد تومان بابت خرید زمین ویلای لواسان می دهد. مرداد ۹۷ خبری مبنی بر کشف انبار دارویی در استان البرز از داروهای احتکار شده منتشر شد که آن را متعلق به دختر وزیر صنعت دانستند ، بعد معلوم شد دو انبار بوده یکی به مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان که داروهای تاریخ گذشته بوده که طبق اظهارات سخنگوی تعزیرات این داروها معدوم شده ، اما دیگری انباری به ارزش ۵میلیارد تومان مربوط به نگهداری غیرمجاز دارو بدون انجام تشریفات قانونی (قاچاق) بود ، که پرونده آن مفتوح بوده و به دادرسی ارجاع شد. بالاخره در شهریور امسال قوه قضاییه از بازداشت شبیم نعمت زاده (متهم ردیف اول) با اتهاماتی درباره انحصار دارو و تحصیل مال نامشروع به همراه آقای لشکری پور

(متهم ردیف دوم) خبر داد. در جلسه دادگاه لشکری پور و نعمت زاده هر کدام سعی داشتند توپ را در زمین دیگری بیندازد ، و اظهارات ضد و نقیض میان دو متهم زوایای پنهانی را در این پرونده روشن کرد ، نام افراد و حساب های بانکی جدیدی نمایان شد و رد پای پدر شبیم نعمت زاده و دختر همسرش به این پرونده باز شد. بر اساس اظهارات متهم لشکری پور: وزیر اسبق صنعت ، فرجی را به عنوان حسابرس برای شرکت ورشکسته شده انتخاب کرده بود! لشکری پور تصریح کرد: فروش مستقیم دارو از سوی تأمین کننده خلاف است ، اما شبیم نعمت زاده مستقیماً دارو را می فروخت و وجه آن را به حساب علی سواد کوهی ، واریز میکرد. دختر همسر شبیم نعمت زاده (تارا مجبعلی) که دارای یکی از صفحات پرطرفدار در اینستاگرام است ، ارتباط خودش با این پرونده را تکذیب کرده بود ، و حال روشن شده علی سوادکوهی همسر همین شاخ اینستاگرامی است! در سومین جلسه دادگاه قاضی بیان کرد: برخلاف اینکه خانم نعمت زاده خود را مبری از هرگونه تخلف می دانست ، انبار سوم دارویی متعلق به ایشان در کرج کشف شده که ارزش انبار مذکور یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است و متهمان دیگری در این پرونده تحت تعقیب هستند. حال این سؤال مطرح میشود: آیا برای دریافت مجوزها جایگاه مسئولین و دولت مردان خط ویژه محسوب شده است ، که پرونده های فساد اقتصادی اخیر از یک طرف به یکی از نزدیکان آنها ختم میشود! آیا احکام صادره به طور کامل اجرا میشود یا مانند حکم تخریب ویلای بدون مجوز همین خانم نعمت زاده در حد یک شو اجرا میشود و حال مردمی که این روزها درگیر مشکلاتی هستند که بی تدبیری مسئولان و رانت بازی آقا زاده به وجود آورده است ، چشم امیدشان به قوه قضاییه است که انصافاً آقای رئیسی با اقتدار راه مبارزه با زالوهای اقتصادی را پیش گرفته است.

حرمت مجلس را حفظ کنید!

بی اخلاقی نمایندگان سوژه رسانه ها...

سیاسی

مریم سبزی



این مجلس که حق خدادادی مردم و مظهر اراده ملت است ، این روزها حال خوبی ندارد. در خانه ملت به جای تصمیم گیری درباره مسائل حمایتی مملکت و موضوعات اولی تری همچون اصلاح بانکداری اسلامی و تعیین تکلیف قطعی برای طرح شفافیت آراء نمایندگان و ... این چنین در مورد حذف چهار صفر از واحد پولی ایران سخن می گویند. در واقع بهتر است که گفته شود درباره هر مسئله ای که اهمیت چندانی ندارد ، بحث می شود و الویت ، اصلاح کشور نیست. در هر جلسه ی علنی مجلس حرف هایی که مطرح میشود و درگیری های لفظی و بعضاً بچه گانه که رد و بدل میشود ، شأن مجلس را زیر سؤال می برند و تیترو روزنامه ها و فضاهای مجازی را به افاضات خود مزین کرده و قبح مجلس را می شکنند. آنان که درباره ی موضوعاتی همچون برجام وقت گذاشتن برای بررسی بهتر آن را وقت کشی می دانستند و آن فتح الفتوح مذاکرات را در بیست دقیقه تصویب کردند ، طرح شفافیت آراء نمایندگان را مدت ها زمین گذاشتند و حتی برخی از همان آقایان و خانم های نمایندگان این طرح را باعث مشکلات کشور خواندند.

در این ایام که نزدیک انتخابات یازدهم میشویم ، به جای پرداختن و رسیدگی به مشکلات مردم و به جای اینکه وکیل مدافع مردم شهر خود باشند ، دردی بر دردهایشان می شوند و از این فرصت برای تصفیه حساب های سیاسی خود استفاده می کنند و هر ماه موضوعی را مطرح میکنند تا در فضای رسانه ای بولد شود و افکار عمومی از توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی و فرهنگی منحرف گردد. نمونه هایش همان کودک همسری و دختر آبی است که البته برای همگان تقریباً روشن است که آنها از این فضاها به دنبال منافع خود هستند نه کمک به مردم! چراکه به محض اینکه هر شخصیتی مسئله شفافیت آراء و عدم پنهان کاری را مطرح کرد ، به او برچسب ها زدند و هجمه زیادی را علیه او و هم فکرائش به وجود آوردند و در تربیون های رسانه ای شان می گفتند مگر می خواهید تفتیش عقاید کنید؟! در حالی که اینجا ملاک ، صلاح مردم و کشور است و ربطی به عقاید شخصی ندارد. حق مردم بود و هست و خواهد بود که بدانند نمایندگانشان در بهارستان چه می کنند. مجلسی که باید سر تا سر مظهر حق گوئی و حق طلبی باشد



، امروز باید در صحن آن و حتی از تربیون برخی نمایندگان الفاظ نادرستی بشنویم که به یکدیگر نسبت میدهند. همان کسانی که چند سال پیش افتضاح سلفی با موگرینی را به بار آوردند ، باز هم حیثیت ملت و خانه ملت را با رفتار های خارج از عرف نشانه رفته اند. آن روزها اگر خون شهید بی سر ما نبود ، دیگر آبرویی برای ایران و ایرانی باقی نمی ماند. از ابهت و شکوه و غرور مجلس قدیم کاسته شده و متأسفانه عده ای چهارسال زعامت خود را بر منصب وکالت ، به منزله ی فرصتی برای حفظ منافع خود و جناح خود می بینند. مصداق آن را میتوان در عربده کشی های رسانه ای خانم پروانه سلحشوری دید که وقتی دختر آقای وزیر (شبیم نعمت زاده) دستگیر شد ، استادیوم رفتن بانوان را مطرح کرد تا بازداشت آقا زاده وزیر را به حاشیه ببرد چون همسرش در انتخابات مجلس رد صلاحیت شد ولی نعمت زاده آبرویش را خرید و او را معاون وزارت خانه خود معرفی کرد. آری این است حال و روز این روزهای مجلس مان که تنها در نامش ، صفت اسلامی دارد ولی دغدغه های اسلامی ندارد.

تزریق جهل سلبریتی های بی سواد طبل های تو خالی

فرهنگی

امیررضا لک



همانطور که می دانیم در دنیای امروز با توجه به رشد فضای مجازی و مطرح شدن یک سری از شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها به دلیل جذابیت شان طبیعتاً حضور و پیگیری مردم در این فضا روز به روز بیشتر شده و خواهد شد همچنین شبکه های اجتماعی بستری مناسب برای ارتباط سریع با اکثر مردم یک جامعه می باشد که این امر به خودی خود و در نگاه اول بسیار جذاب و کاربردی است اما غافل از این که مشکلات آن کمتر از کاربرد هایش نیست! یکی از مشکلات این فضا حضور افرادی است که بیشتر از همه مورد توجه اند که آن ها را سلبریتی یا همان افراد معروف می نامند که با توجه به شاخص بودنشان در دنیای واقعی، در دنیای مجازی نیز به سرعت هوادار جمع می کنند و مشغول به فعالیت می شوند و به دلیل دسترسی آسان مردم به آن ها و فعالیت این افراد به صورت شخصی یا عمومی تاثیر چشمگیری می توانند روی کاربران خود بگذارند اما می دانیم که این فعالیت ها ممکن است همیشه مثبت نباشد و باعث خرابکاری های فرهنگی و حتی اعتقادی نیز شود. وقتی شما در یک جامعه زندگی می کنید که برخی از موارد در آن باید بر اساس شرع و عرف رعایت شود، قطعاً شما ملزم به رعایت آن هستید اما وقتی عده ای از افراد به خصوص سلبریتی ها یا همان افراد مشهور که گفتیم در فضای مجازی و یا فضای عمومی این موارد را نقض می کنند قطعاً بی تاثیر نیستند. البته ناگفته نماند که افرادی از این دسته نیز هستند که با تأثیر مثبت خود باعث رشد فرهنگ جامعه می شوند،

اما قطعاً سلبریتی هایی بیشتر دیده می شوند که جنجالی تر رفتار می کنند و به دنبال آن تأثیر مفید روی مردم ندارد. رفتار سلبریتی ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد : یک اینکه این اشخاص محترم از جایی یا خط فکری خاصی پیروی می کنند و بر اساس برنامه ریزی قبلی پیش می روند و با استفاده از ابزارهایی مانند احساسات و انسانیت کاری می کنند تا به اهدافی که از آنها خواسته شده برسند که اگر این اهداف به نفع جامعه نباشد بر اساس منطق چیزی جز خیانت به مردم و کشور نیست... اما دسته دوم سلبریتی هایی هستند که تحت تأثیر دسته اول قرار می گیرند و شاید ناخواسته وارد این قضایا می شوند اما با تأیید حرف های سلبریتی هایی که فعال تر و جنجالی تر رفتار میکنند، تأثیر خود را می گذارند، اما در کل می دانید که این فعالیت شان نشأت گرفته از حس خودنمایی آنهاست که گویا هیچ وقت پایان ندارد. یک سری از جریاناتی که با فعالیت و شایعه پراکنی برخی از سلبریتی ها اتفاق افتاده سند محکمی برای اثبات ادعای تأثیر آنها بر روی تصمیم گیری مردم دارد. بهتر است از انتخابات سال ۹۶ شروع کنیم جوی که سلبریتی ها در آن زمان مخصوصاً در فضای مجازی و سفرهای تبلیغاتی کاندیداهای ریاست جمهوری به مردم القا کردند، مهمترین تأثیر آنها در این چند وقت اخیر بوده است اما در بین آنها بیشتر از همه بازیگران سینما بودند که با سخنرانی ها و اعلام حمایت هایشان در شبکه های اجتماعی مثل اینستاگرام و توییتر جو انتخابات را در دست گرفتند و با صحبت های احساسی و نظرات به قول خودشان آزادی خواهی مردم را فریب دادند اما جالب ترین بخش این موضوع موضع گیری های برخی بازیگران زن بود که به دنبال مسائلی همچون ورود زنان به ورزشگاه ها و بحث حجاب اجباری و... فعالیت شان بسیار از قبل بیشتر شده بود که حتی در برخی از میتینگ های تبلیغاتی انتخابات بعضی از بازیگران زن برای حمایت از کاندیدای مورد نظر خود و حتی القای نظر خودشان به مردم سخنرانی احساسی و هیجانی می کردند تا مردم را به وجد بیاورند و تأثیر خود را روی آن ها بگذارند. مثلاً می گفتند : "ما با امیدی که به تدبیر شما داریم مطمئنیم در چهار سال آینده به خواسته هایمان می رسیم" و یا به "عقب برنمیگردیم" که گفتند و تأثیر گذاشتند و انتخابات را پیروز شدند اما چیزی

نگذشت که اکثر آنها با افزایش سطح تورم و گرانی در جامعه و حتی تعیین عوارض بیش از حد خروج از کشور به سرعت پوست انداختند و هشتگ پشیمانیم راه انداختند! آیا به نظر شما می توان روی حرف آن ها حساب باز کرد؟! یا حتی با شایعه پراکنی که توسط یک بازیگر زن درباره اینکه یک طلبه همدانی توصیه به جهاد نکاح دختران ایرانی برای اعضای حشد الشعبی عراق کرده است، منجر به کشته شدن طلبه همدانی شد که این مورد باز هم نتیجه اعتماد غلط به آنها بود. یا حتی اخیراً در پی ورود زنان به ورزشگاه و خودسوزی دختری به نام سحر که معروف به دختر آبی شد سلبریتی ها واکنش بسیار تندی نشان دادند در صورتی که به گفته پدر سحر این دختر به دلیل دستگیری و محاکمه او در دادگاه اقدام به خودسوزی نکرده است بلکه سحر به دلیل مشکلات روحی روانی خود را سوزانده است اما با عوام فریبی سلبریتی ها این جو در جامعه القا شد که دختر آبی به دلیل جلو گیری از ورودش به ورزشگاه و دستگیری او دست به این کار زده است. سلبریتی ها غافل از اینکه با انتشار این موضوع حتی به طور غیر مستقیم و ناخواسته باعث میشوند که هر فردی در جامعه برای رسیدن به خواسته هایشان دست به هر کاری بزنند که بعد از این ماجرا خبر خودکشی دختر ۱۶ ساله به دلیل مجادله با خانواده بر سر نوع پوشش خود پخش شد و باز هم تأثیرپذیری بد از سلبریتی ها را دیدیم. اما چطور قضیه خودسوزی دختر آبی آنقدر مهم شد که سلبریتی ها با هم به آن پرداختند اما فقط تعداد کمی از آنها قضیه خودسوزی چهار نفر از کارگران هفت تپه را (آن هم برای یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق ماهیانه) بیان کردند اینجاست که شک میکنیم که این افراد آیا از جایی خط میگیرند یا نه؟! اما حرف آخر چه بخواهیم چه نخواهیم باید خودمان را به حضور چنین افرادی در جامعه عادت بدهیم اما حرف اصلی ما و انتقاد اصلی ما به خودمان یعنی مردم جامعه است ما باید یاد بگیریم که هر خبری و یا هر موضوعی را از مرجع مناسب آن پیگیری کنیم یا برای تصمیم گیری در هر امری مخصوصاً انتخابات و موضوعات اجتماعی با تحقیق و بر اساس منطق عمل کنیم نه تحت تأثیر احساسات. به امید روزی که همه افراد فقط در چیزی که به آن علم دارند صحبت کنند و لاغیر...

دیپلماسی اربعین

فرهنگی

محسن پاک آیین



اربعین و پیاده روی شکوهمند آن یکی از جلوه های دیپلماسی انقلابی است و در سایه آن، تقویت مناسبات رسمی ایران و عراق ممکن و مسیر اتحاد اسلامی و یکی از ملزومات ایجاد تمدن نوین اسلامی، هموار شده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان های انقلاب بوده و بر منافع بلندمدت و اصول و ارزش های آن استوار است. در عین حال رویکرد و راهکارهای دیپلماتیک در مقاطع مختلف باید در خدمت پیشبرد اصول سیاست خارجی باشد بهره گیری از پیاده روی اربعین به عنوان یک رخداد مهم و دارای ابعاد مذهبی و سیاسی، می تواند یک راهکار دیپلماتیک برای تحقق اهداف سیاست خارجی از جمله تحکیم روابط با همسایگان و ایجاد اتحاد و تفاهم میان مسلمانان باشد. دوستی و در هم تنیدگی توده های مردمی از کشورهای مختلف بخصوص از ایران و عراق، نقش مهمی در پیشرفت اهداف سیاست خارجی این کشورها داشته باشد و به عنصری برای تامین منافع ملی مبدل شده است. بارزترین نقش پیاده روی اربعین، تقویت مناسبات رسمی ایران و عراق بوده و این دو کشور دارای اشتراک های مختلفی برای همکاری هستند که نقطه عطف آن نماد وحدت دو ملت در راهپیمایی اربعین حسینی (ع) است. این مراسم هر ساله وحدت و دوستی دو

ملت ایران و عراق را بیش از پیش نمایان می کند و جلوه ای از همزیستی برادرانه را به نمایش می گذارد. بی تردید استفاده از راهپیمایی اربعین در عرصه دیپلماتیک و امضای اسناد همکاری در این زمینه، روابط دو کشور را از دیگر روابط متمایز و اهمیت مناسبات فیما بین را دوچندان کرده است. قطعاً ادامه این روند منافع تهران و بغداد را تامین و امید دشمنان را نسبت به اخلال در روابط این دو کشور خنثی می سازد. حضور بیش از ۱۲۰۰ موکب دار و خادمان حسینی (ع) در ایران و ملاقات اخیر ایشان با رهبر معظم انقلاب اسلامی، موید دوستی و مودت میان دو دولت و دو ملت بود که از چشم تیزبین تحلیلگران جهان نیز دور نماند. در عرصه دیپلماسی عمومی، تعهدات برادرانه به همه ی مسلمانان جهان و تلاش برای تقویت وحدت اسلامی یکی از راهبردهای سیاست خارجی انقلابی است و در صورت اجرای صحیح، منجر به حل بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام خواهد شد. امروز دیپلماسی عمومی، پشتیبان دیپلماسی رسمی کشورها بوده و یکی از مظاهر تعمیق و تقویت روابط دولت ها به شمار می رود. حضور جمع کثیری از پیروان مذاهب اسلامی با نژادها و زبان های متفاوت و تجمع ایشان تحت شعار "حب الحسین یجمعنا"، موید این است که اربعین در عرصه دیپلماسی عمومی، به یکی از منابع قدرت نرم مسلمانان برای تقویت وحدت اسلامی مبدل شده است. پیاده روی اربعین امروز منحصر به شیعه نیست بلکه بسیاری از اهل سنت و حتی تعدادی از غیرمسلمانان

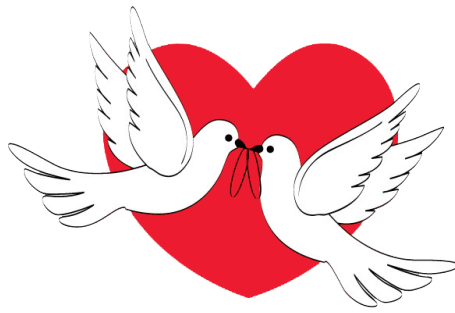
در آن شرکت می کنند. دیپلماسی اربعین می تواند با افزایش گفتگو میان علمای اسلام و روشنفکران متعهد مسلمان و آشنا کردن آنها با اقدامات نرم دشمنان اسلام شکل گیرد. نهادهای مسئول مانند مجمع جهانی اهل بیت (س) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و بازوهای فکری آنها همچون دانشگاه مذاهب اسلامی و بنیاد بین المللی عاشورا باید با محوریت اربعین، در مسیر اجرای دیپلماسی وحدت اسلامی، برای مذاکره با علمای جهان برنامه ریزی کنند. پیاده روی اربعین یک گفتمان مشترک میان مسلمانان است که قادر است اختلافات را حول محبت اهل بیت (س) کاهش داده و به یافتن راهکارهای اجرایی برای مقابله با دشمنان اسلام منجر شود. امروز وقت آن رسیده که گذشته از ابعاد معنوی و روحانی راهپیمایی اربعین، به نقش تمدن ساز این رویکرد مهم نیز توجه کرد و با استفاده از این ظرفیت بسیار عظیم، کارهای بزرگی انجام داد. حمایت وزارت امور خارجه، همراهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیگر دستگاه های فعال در خارج از کشور می تواند در اعمال این نوع دیپلماسی تسهیل کند. در صورت بهره گیری هوشمندانه از مواهب اربعین، بدون صرف بودجه های کلان، تحقق توسعه و تعمیق روابط ایران و عراق ادامه یافته و هم افزایی و هماهنگی با مردم مسلمان لبنان، یمن، بحرین، پاکستان، هندوستان، شیعیان ساکن در اروپا، آفریقا، آسیا و نقاط دیگر جهان، ممکن خواهد بود.



اربعین در کلام رهبری



آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران، اربعین را استمرار نهضت ظلم ستیزانه امام حسین(ع) می داند و درس بزرگ آن را زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهادت در مقابل تبلیغات دشمن معرفی می نمایند. ایشان می فرمایند: اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص) یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون از قبیل شهادت حسین بن علی (ع) در عاشورا به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل های بعد، از دستاورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد. اگر زینب کبری(س) و امام سجاد (ع) در طول آن روزهای اسارت چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سال های متمادی که این بزرگواران زنده ماندند مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند. چرا امام صادق(ع) طبق روایت فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره حادثه عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگه داشتن مسئله عاشورا و کلاً مسئله اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرت های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت آمیز می کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه عاشورا که با این عظمت در بیابانی در گوشه ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاش ها، از بین میرفت. درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. دیده بی نظیر و بی سابقه ای هم در این سال های اخیر به وجود آمده و آن، پیاده روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می افتند و حرکت می کنند. این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می کنیم به این حرکت و غبطه میخوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند



یک انتخاب عاقلانه یک زندگی عاشقانه!

فرهنگی

سپیده علائی نسب



هم قربانی است. من نمیگویم تحصیلات چیز خوبی نیست. نه اصلاً! یا معلمان و اساتید کم کاری کرده اند. خیر! آنها هم موظف بوده اند این دروس را تدریس بکنند، من میگویم حالا که در لابلای این همه کتاب درسی که خواندیم، چیزی را که میخواستیم نیافتیم و این خلأ را روز به روز بیشتر احساس میکنیم، وقت آن رسیده است سرمان را از زیر برف بیرون بیاوریم و دست به کار شویم. برویم دنبال آموختن و یاد گرفتن چیز هایی که خیلی جایشان خالی است در ذهنمان و از آن غافلیم. و لاقلاً هر ترم یک کتاب در رابطه با زندگی مشترک و طرز برخورد با شریک زندگیمان بخوانیم. یکی از دوستانم حرف قشنگی زد. او میگفت: همیشه از خدا میخواستم همسری نصیبم کند که همه چیز تمام باشد و در کنارش آرامش داشته باشم ولی بعد ها به این نتیجه رسیدم که چرا من خوب و همه چیز تمام نباشم که او در کنار من احساس خوشبختی کند؟ من ستون خانه اویم پس باید محکم باشم. همیشه حتی در مسافرت هم کتاب همراهش داشتم. فکر میکنم زندگی همین است که در عکس های پروفایل یا پست ها و استوری آدم های متأهل می بینیم که سرشارند از خوشی و لذت و خوشبخت ترین آدم روی زمین اند. و ممکن است بگوییم کاش من جای او بودم. خلاصه زندگی را خلاصه کرده ایم در عکس های عاشقانه و چند شاخه گل سرخ و لباس های ست و کافی شاپ و... ولی خودمان هم خوب می دانیم که اینها ظاهر زندگی است و بطن زندگی چیز دیگری است که دیر یا زود با آن مواجه خواهیم شد. پس باید کمر ببندیم به تزئین درونمان! یاد بگیریم چه طور با مسائل کنار بیاییم. یاد بگیریم که اگر همسر آینده مان آنی نشد که تصورش را میکردیم، دنیا به آخر نرسیده است. یاد بگیریم هر آنچه هست را بپذیریم و قبول کنیم. روزی من همین بوده و خداوند او را برای من مقدر فرموده است، شاید او حتی فراتر از تصورات من است ولی چون به او بها نمیدهم، فرصت بروز و ظهور ندارد. یاد بگیریم مرد است و اقتدارش. اگر اقتدارش لطمه بخورد نه اویی می ماند نه ما! یاد بگیریم منعطف باشیم و نگوییم همسرمان باید فلان شغل را داشته باشد و حتماً تحصیلاتش از من کمتر نباشد. تحصیل کرده بودن دلیل بر دانایی نیست! دانایی با آگاهی فرق دارد، ما با تحصیل کردن به آگاهی مان می افزاییم نه دانایی! یاد بگیریم ازدواج تضمین نمیکند دو نفر تا آخر با هم بمانند بلکه این عشق، احترام، اعتماد، تفاهم، دوستی و تعهد در ازدواج است که آن را تضمین میکند. و در آخر بدانیم هیچ کس بهتر از خودمان نمیتواند به ما کمک کند. پس پیش به سوی انتخاب عاقلانه و زندگی عاشقانه ...

این همه درس خواندیم زحمت کشیدیم، درسها و گرما رفتیم و آمدم، هزینه کردیم، کلی مسئله و تمرین حل کردیم، کلی امتحان ازمان گرفتند و بالاخره غول کنکور را شکست دادیم و دانشگاه قبول شدیم و باز هم درس خواندیم و درس خواندیم و درس خواندیم... کلی معلم و استاد به خود دیدیم کلی برایمان صحبت کردند از وقایع جامعه از سیاست، فرهنگ، تاریخ... و ما هم روی صندلی های خشک و بی روح چوبی ساعت ها نشستیم و نگاهشان کردیم و لحظه لحظه منتظر پایان کلاس بودیم. بی انصافی نکرده باشیم بعضی هایشان مثل پدر و مادر دلسوز بودند و تمام سعی شان را میکردند درس را به تو بیاموزند ولی چه کنیم که آب از سرچشمه گل آلود بود و او نیز موظف بود همانی را تدریس کند که معین شده است. درس هایی که همه چیز یادمان دادند جز مهربانی کردن جز انسان بودن جز چگونه خوب زیستن در میان این همه کتاب که به زور در ذهنمان گنجاندیم کتابی نیافتیم که از عشق برایمان بگوید از بهشت برایمان بگوید ... زنگی به نام زنگ زندگی که نه پرسشی در کار باشد و نه امتحانی تا آن وقت با جان و دل گوش دهیم و کیف کنیم که درس زندگی آموختیم. یک عمر همه پرسیدند میخواهی در آینده چه کاره شوی؟ اما هیچ کس از ما نپرسید میخواهی در آینده چگونه زندگی کنی؟ اصلاً بلد زبانی کنی؟ بلد زبانی در بحران های زندگی مسیرت را گم نکنی؟ وقتی هم که مدرک میگیری همه از تو انتظار دارند بهترین خودت باشی، میگویند فلانی تحصیل کرده است بلد است زندگی راه ببرد! نمی دانند در این همه سال تحصیل، همه چیز به ما یاد دادند جز خودشناسی که زمینه خدانشناسی است. وقتی خودت را شناختی و جایگاهت را در این کره خاکی درک کردی دیگر برای خدایت بزرگی نمیکنی، گستاخی نمی کنی، فخر نمی فروشی، مغرور نمیشوی. دستور نمی دهی خدا یا باید این بشود! که اگر نشد ناامید بشوی و احساس پوچی کنی. وقتی خدایت را شناختی و ایمانت قوی شد، باور پیدا میکنی که خداوند لحظه ای از تو دور نیست و همیشه هوایت را دارد حتی اگر سکوت کرده باشد. تعارف را کنار بگذاریم خیلی از ما، خودمان را درست نمیشناسیم، نمیدانیم از زندگی چه میخواهیم و فقط منتظریم یکی بیاید و دستمان را بگیرد و خوش بختمان کند و این می شود تنها هدف چند سال آینده مان! توقع داریم همسر آینده مان دانا باشد، خوب و بد را تشخیص دهد، مدام کار کند و خواسته های ما را برآورده کند و نگذارد آب در دلمان تکان بخورد و خلاصه مثل کوه پشتمان باشد. غافل از اینکه او هم در این سیستم آموزشی معیوب بزرگ شده او هم راه و چاه را یاد نگرفته او

شما میتوانید انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با هفته نامه "صبح قریب" و همچنین مسائل دانشگاه، صنفی و آموزشی از طریق شماره ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶ به اشتراک بگذارید

آنچه شما گفتید!

بیشتر راجع به مسائل و مشکلات دانشگاه بنویسید. الان دانشگاه در خیلی از زمینه ها معیوب است

من کارگر هیکو هستم. میخواستم از شما و دوستانتون به خاطر پرداختن به اعتراض ما کارگرا تشکر کنم ممنون که صدای ما رو به گوش دانشگاهیون میرسونین. امیدوارم حمایتتون رو ازمون سلب نکنین و ادامه دار باشه

شماره های قبل تر خیلی بیشتر به مسائل معیشتی میپرداختین به مقدار اون رویه مطالبه گری اقتصادی همیشگی توی نشریه تون کم رنگ شده لطفاً به این موضوع توجه کنین

صاحب امتیاز:

بسج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: رسول یوسفی

سردبیر، طراح و صفحه آرا: حامد آقالر

basijaraku

basij_araku

basijarakuni.blogfa.com

۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶